

شاهنامه فردوسی

ویرایش متن براساس

ده نسخه از قدیمی ترین دست نوشته های

شناخته شده شاهنامه در جهان

و مقابله با متن شاهنامه های ویراست اول و دوم مسکو

و نسخه شاهنامه جلال خالقی مطلق

به کوشش

مهدی قریب

(جلد اول)



انتشارات دوستان

فهرست

جلد اول

پیشگفتار	سیزده
آغاز نامه	۱
گفتار اندر ستایش خرد	۱
گفتار اندر ستایش آفرینش	۲
گفتار اندر آفرینش افلاک	۲
گفتار اندر آفرینش آفتاب	۳
گفتار اندر آفرینش ماه	۳
گفتار اندر آفرینش مردم و حیوان	۳
گفتار اندر ستایش پیغمبر	۴
اندر فراهم آوردن شاهنامه	۵
گفتار اندر ستایش سلطان محمود	۷
پادشاهی گیومرث اول ملوک عجم سی سال بود	۹
پادشاهی هوشنگ چهل سال بود	۱۳
[داستان کشف آتش]	۱۳
پادشاهی طهمورث سی سال بود	۱۵
پادشاهی جمشید هفتصد سال بود	۱۷
پادشاهی ضحاک تازی هزار و یک سال بود	۲۵
گفتار اندر خواب دیدن ضحاک	۲۶
اندر مولود شاه آفریدون	۲۸
داستان کاوه آهنگر با ضحاک	۳۱

۷۴۷	سپری شدن روزگار کاووس
۷۵۶	پند دادن زال سام کی خسرو را
۷۵۹	پند دادن کی خسرو و ایرانیان را
۷۶۰	بخش کردن گنج و ولایت‌ها به ایرانیان
۷۶۳	ولیعهد کردن کی خسرو لهراسپ را
۷۷۱	پادشاهی لهراسپ
۸۰۱	پادشاهی گشتاسپ صد و بیست سال بود
۸۰۱	به خواب دیدن فردوسی دقیقی را
۸۰۱	سخن دقیقی
۸۳۴	سخن فردوسی
جلد دوم	
۸۵۱	داستان هفت خان اسفندیار
۸۷۹	داستان رستم و اسفندیار
۸۷۹	آغاز داستان
۸۸۵	رفتن اسفندیار به زاولستان
۸۸۸	رفتن بهمن به رسولی پیش رستم
۸۹۱	پاسخ نامه اسفندیار از رستم
۸۹۴	پوزش کردن رستم بر اسفندیار
۸۹۹	نکوهش کردن اسفندیار رستم را
۹۰۳	پاسخ اسفندیار از رستم
۹۱۱	رزم رستم با اسفندیار
۹۱۳	رزم زواره با پسر اسفندیار
۹۱۹	چاره ساختن سیمغ و زال بر اسفندیار
۹۲۱	کشتن رستم اسفندیار را
۹۳۰	نامه رستم زال به نزدیک گشتاسپ
۹۳۳	داستان رستم و شغاد
۹۳۴	آغاز داستان

۹۴۵	پادشاهی بهمن اسفندیار صد و دوازده سال بود
۹۵۳	پادشاهی هُمای چهرزاد سی و دو سال بود
۹۶۵	پادشاهی داراب دوازده سال بود
۹۷۱	پادشاهی دارای داراب چهارده سال بود
۹۸۷	پادشاهی اسکندر
۱۰۴۹	پادشاهی اشکانیان
۱۰۵۰	آغاز داستان
۱۰۶۵	داستان کرم هفتواد
۱۰۶۹	کشتن اردشیر کرم هفتواد را
۱۰۷۵	پادشاهی اردشیر [اول ساسانی]
۱۰۹۹	پادشاهی شاپور پسر اردشیر سی و یک سال بود
۱۱۰۳	پادشاهی اورمزد
۱۱۰۷	پادشاهی بهرام اورمزد
۱۱۰۹	پادشاهی بهرام نوزده سال بود
۱۱۱۱	پادشاهی بهرام بهرامیان
۱۱۱۳	پادشاهی نرسی بهرام
۱۱۱۵	پادشاهی اورمزد نرسی
۱۱۱۷	پادشاهی شاپور دوم (ذوالاکتاف)
۱۱۳۹	پادشاهی اردشیر نکوکار
۱۱۴۱	پادشاهی شاپور سوم
۱۱۴۳	پادشاهی بهرام شاپور
۱۱۴۵	پادشاهی یزدگرد بزه‌گر
۱۱۶۹	پادشاهی بهرام گور
۱۲۵۳	پادشاهی یزدگرد [دوم] هجده سال بود
۱۲۵۵	پادشاهی هرمز یک سال بود
۱۲۵۷	پادشاهی پیروز بیست و هفت سال بود
۱۲۶۳	پادشاهی بلاش پیروز چهار سال بود
۱۲۷۱	پادشاهی قباد چهل و سه سال بود
۱۲۷۷	داستان مزدک با قباد

۱۲۸۵	پادشاهی کسری نوشین روان چهل و هشت سال بود
۱۳۰۸	داستان نوش زاد با کسری
۱۳۱۶	داستان بوزرجمهر (بزرگمهر)
۱۳۳۵	داستان مهبود با زروان
۱۳۴۰	رزم خاقان چین با هیتالیان
۱۳۴۶	پیام فرستادن خاقان چین به کسری
۱۳۵۰	پاسخ نامه کسری از خاقان چین
۱۳۶۱	سخن گفتن بوزرجمهر پیش کسری
۱۳۶۹	داستان در نهادن شطرنج
۱۳۷۲	نامه کسری به رای هند
۱۳۷۵	داستان طلخند و گو
۱۳۸۱	رزم گو با طلخند
۱۳۸۵	پیام فرستادن طلخند به گو
۱۳۹۲	گفتار اندر داستان کیلیه [و دمنه]
۱۳۹۶	اندر سبب آزار نوشین روان از بوزرجمهر
۱۴۰۲	گفتار اندر توقیعات نوشین روان
۱۴۰۷	نامه کسری به هرمزد
۱۴۰۹	سخن پرسیدن موبد از کسری
۱۴۱۵	آگاهی یافتن کسری از مرگ قیصر روم
۱۴۱۹	داستان موزه فروش با کسری
۱۴۲۹	پادشاهی هرمزد دوازده سال بود
۱۴۲۹	آغاز داستان
۱۴۵۹	فرستادن بهرام سر ساوه به درگاه هرمزد
۱۵۹۸	گفتار اندر داستان خسرو و شیرین
۱۶۰۳	صفت تخت طاق دیس

پیش گفتار

از زمان مرگ فردوسی که به تقریب در میانه سال های ۴۱۱-۴۱۵ هجری قمری روی داده است، تا تاریخ استنساخ نخستین دست نوشته شاهنامه یعنی نسخه محفوظ در موزه بریتانیا که به گمان من متن عمده و اصلی آن در سال های متقدم بر ۶۷۵ هکتابت شده و در حال حاضر اقدم و اصح نسخ شناخته شده شاهنامه است، دست کم ۲۶۰ سال می گذرد. این خلأ عظیم ۲۶۰ ساله را در عدم کشف دست نوشته ای از یک اثر بزرگ که در نسبت با تاریخ کتابت اقدم نسخه باقی مانده از دیگر امتهات متون فارسی مثل دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی و مثنوی مولوی، موقعیتی استثنائی و غیر معمول دارد، به چه می توان تعبیر کرد؟

در حوزه تصحیح علمی و انتقادی متن و در مبحث بررسی مؤثرهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و دینی دخل و تصرف های کلی و جزئی کاتبان، خوانندگان و علاقه مندان، به ویژه در دست نوشته های شاعران و نویسندگان بزرگ، همه محققان متون و نسخه شناسان بر یک نکته اساسی اتفاق نظر دارند و آن هزینه اجتناب ناپذیری است که سراینندگان بزرگی مانند فردوسی، حافظ، سعدی و مولوی مجبورند در برابر قبول خاطر و لطف سخن خویش بپردازند. به جز این، اما، شاهنامه فردوسی نسبت به دیگر آثار ماندنی و بزرگ زبان و ادب فارسی، آفریده زمانه متفاوت و اهدافی خود ویژه است و بیش تر از دیگر آثار، به شکل مستقیم و غیر مستقیم درگیر مسائل اجتماعی، سیاسی و فکری زمانه خود و سده های بعد بوده است.

اگر مفاهیم عرفانی و رمز و رازهای هنرمندانه حافظ برای خواص زمانه او تا همین امروز محمل تأویل ها و تفسیرهای متفاوت و بعضاً متضاد و حتا متناقضی بوده است؛ اگر داستان گوئی های تو در تو و تمثیل های رازواره مولوی واگویی هستی فرد و جان جهان در لایه های ناپیدای آن است و سرانجام اگر خطابه های اخلاقی و اندرزهای خردمندانه سعدی هیچ نحله فکری و اجتماعی را در هیچ دوره ای نیاززده و نمی آزرده، فردوسی، اما، در منظومه خویش به زبان و به معنا در جستجوی هویت گمشده قومی است که در زمانه ای بی رحم و پرا آشوب سردرگم و بی هدف به خود رها شده است. پی گیری مستمر این هدف و جامعه عمل پوشاندن

بدان در قرن چهارم هجری در قالب منظومه‌ای بزرگ، بی‌گمان برای سراینده و در سده‌های بعد برای سروده‌ا و بدون پرداخت تاوان و هزینه‌گزاران متصور نیست. خلاصه غیر معمول عدم وجود و یا کشف نسخه‌ای از شاهنامه را، در این نزدیک به سه قرن، شاید در یک چنین زمینه‌ای باید جستجو کرد.

قرائن داخلی متعدد از خود شاهنامه و نیز مستندات بیرون از آن، مدلل می‌دارد که فردوسی و حماسه او با دو طایفه سلطه‌گر زمانه خویش هرگز سر آشتی نداشته است: اعراب و ترکان؛ از همین روست که می‌بینیم حضور اعراب در شاهنامه در همه موارد و به ویژه در آخر شاهنامه با ترفندهای هنری زیرکانه‌ای تعبیه شده و اطلاق غلط تاریخی اصطلاح ترک و ترکان به تورانیان و توران در جای جای منظومه، نه به دلیل عدم آگاهی فردوسی از شیاع این اصطلاح نادرست در قرن چهارم هجری که در کارکردی آگاهانه جزو لاینفک بینش زیبایی شناختی او بوده است؛ همان منطق هنری‌ای که در ژرف ساخت منظومه ایرانی او قابل تبیین و توجیه است. می‌شود فرض کرد که سیطره خشن سیاسی و اجتماعی ترکان غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی بر منطقه وسیعی از گستره جغرافیائی ایران قدیم و تضاد فرهنگی و دینی حوزه‌های دینی که عمدتاً زیر اقتدار فکری خلفای عباسی و دست‌نشانندگان عرب، ترک و ایرانی آنان با هر نوع هویت مستقل غیرعربی در تضاد و معارضة قرار داشتند و این همه را نافی اقتدار سیاسی و فکری خود می‌دانستند، از مهم‌ترین علل این فترت طولانی نزدیک به سه قرن در زمینه کتابت و تکثیر متن شاهنامه بوده است. تأثیر منفی این عارضه تاریخی، امروز در حوزه تحقیق و تصحیح علمی و انتقادی متن شاهنامه در نسبت با دیگر متون نظم و نثر نمود بارزتری دارد، چرا که اصلی‌ترین وظیفه‌ای که در حال حاضر پیش روی مصحح متن قرار می‌گیرد در وهله نخست گروه‌بندی نسخه‌های مورد استفاده در نسبت با مادر نسخه‌هایی مشترک یا مستقل از یک‌دیگر و سپس پیراستن متن اقدم نسخه به مدد مضبوط این نسخ گروه‌بندی شده است تا با اندک یقین اطمینان یابد متن نهائی تا اندازه‌ای این فاصله زمانی ۲۶۰ ساله را پر کرده و به بیان فردوسی نزدیک‌تر شده است. این روش که بر مبنای استفاده از قدیم‌ترین دست‌نوشته شناخته شده هرات، به عنوان نسخه اساس کار استوار است، همواره شیوه‌ای دقیق و بسیار خطیر بوده و به وسواس و احتیاط مداوم و محدود کردن مستمر اجتهاد و ذوق شخصی نیاز دارد، تا حاصل کار حداقل از متن نسخه ۶۷۵ هـ به زمان فردوسی نزدیک‌تر باشد و نه چه بسا دورتر.

متن مصحح پیش‌رو چون فاقد تفصیل نسخه بدل‌ها و توضیحات ضروری در چندی و چونی شیوه استدلالی کار تصحیح است، لابد متن علمی و انتقادی به مفهوم دقیق آن نیست، لیکن در قیاس با شاهنامه‌های چاپی معتبر موجود، واجد یک ویژگی است، چرا که مصحح افزون بر این که متن قدیم‌ترین نسخه شاهنامه - موزه بریتانیا متقدم بر ۶۷۵ هـ - را به عنوان نسخه اساس با اقدم

و اصح نسخه دیگر مقابله و تصحیح کرده، از متون مصحح چاپی شاهنامه نیز که حاصل سه نحله شاخص شاهنامه‌شناسی در ایران و ایران طی نیم قرن اخیر بوده سود جسته است: شاهنامه فردوسی چاپ اول مسکو، متون مصحح بنیاد شاهنامه فردوسی سابق، شاهنامه چاپ جلال خالقی مطلق.

نسخه‌های خطی و چاپی شاهنامه مورد استفاده در تصحیح متن حاضر به شرح زیر است:

- ۱ - عکس دست‌نوشته محفوظ در موزه بریتانیا مورخ متقدم بر ۶۷۵ هـ به نشان Add-21103
- ۲ - عکس دست‌نوشته محفوظ در موزه طوپقاپو سرای ترکیه (استانبول) مورخ ۷۳۱ هـ به شماره خزینه ۱۴۷۹.
- ۳ - عکس نسخه محفوظ در موزه لنین‌گراد (سن پترزبورگ فعلی) مورخ ۷۳۳ هـ به شماره خزینه 329.
- ۴ - عکس نسخه اول محفوظ در کتابخانه ملی قاهره مورخ ۷۴۱ هـ به شماره خزینه ۳/۶۰۰۶
- ۵ - عکس نسخه محفوظ در موزه طی پاکستان مورخ ۷۵۲ هـ به شماره خزینه N.m913/3.
- ۶ - عکس نسخه ناقص و بدون تاریخ مؤسسه شرق‌شناسی کاما در هندوستان که احتمالاً در نیمه قرن هشتم هجری کتابت شده است.
- ۷ - عکس نسخه دوم قاهره محفوظ در کتابخانه ملی پاکستان مورخ ۷۹۶ هـ به شماره خزینه ۷۳.
- ۸ - عکس دست‌نویس حاشیه ظفرنامه حمدالله مستوفی محفوظ در موزه بریتانیا مورخ ۸۰۷ هـ، به شماره خزینه OR-2833.
- ۹ - عکس نسخه دوم محفوظ در موزه بریتانیا مورخ ۸۴۱ هـ به شماره خزینه OR-1403.
- ۱۰ - دست‌نوشته ناقص کتابخانه ملی فلورانس ایتالیا مورخ ۶۱۴ هـ (؟) به نشان MS.Cl.IIf (مضبوط این دست‌نوشته به لحاظ متن‌شناسی شاهنامه، با تاریخ کتابت آن در انجامه نسخه همخوانی ندارد؛ ر.ک به: مراجع ارائه شده در پانوشت همین مقدمه)
- ۱۱ - دست‌نویس شاهنامه سعدلو. محفوظ در کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی تهران ظاهراً مورخ سده ۸ هجری به شماره ثبت ۱۱۱۱ (متن این دست‌نوشته نیز با تاریخ کتابتی که معرف این نسخه در مقدمه بر چاپ عکسی آن، قائل شده، همخوانی ندارد. تاریخ کتابت شاهنامه معروف به سعدلو با توجه به نوع دست‌خوردگی‌ها و دخل تصرف‌های دوره‌ای ملحوظ در آن، به یقین، از سده نهم هجری قدیم‌تر نیست)
- ۱۲ - شاهنامه. ترجمه به عربی از الفتح علی بنداری. تاریخ ترجمه ۶۲۰ هـ.
- ۱۳ - شاهنامه چاپ مسکو. زیر نظر ی. ا. برتلس و با همکاری اعضای آکادمی علوم اتحاد شوروی سابق مسکو. ۱۹۶۶.